

جایگاه نیازهای بنیادین انسان در سیر تحولات مسکن (مطالعه موردی: شهر اردبیل مبتنی بر پیشینه تاریخی)

حمیدرضا عظمتی^۱، سمیه پوریاقر^۲، ودود رستمی^۳

^۱ دانشیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

^۲ دانشجوی دکترای معماری، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

^۳ کارشناس ارشد معماری، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، مدرس دانشکده فنی رازی اردبیل، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱۲/۲۴، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۶/۵/۱۸)

چکیده

تحت پوشش قرار دادن نیازهای بنیادین انسان در علم روان‌شناسی محیطی، از ویژگی‌های مهم مسکن بشمار می‌آید. مسکن باید بتواند نیازهای فرد را متناسب با بوم منطقه پاسخ داده و مشکلات ناشی از آن را مرتفع نماید. خانه، بعنوان سازگارترین مکان با زندگی انسان شناخته شده و امروزه به علت عدم توجه به نیازهای اصلی کاربران، دچار تغییرات زیادی شده است به گونه‌ای که روندی به سوی بی‌هویتی و کاهش حس تعلق ساکنان را در پی دارد. در پژوهش حاضر هدف اصلی، بررسی میزان توجه به نیازهای بنیادین انسان در دوره‌های متفاوت معماری می‌باشد؛ لذا در این راستا، از ترجمان معماری، اصول مطرح شده توسط آبراهام مازلو به عنوان محور سنجش کیفیت پاسخگویی به نیازهای بنیادین بهره گرفته شده است. پژوهش بصورت توصیفی - تحلیلی بوده و روش تحقیق پیمایشی - دلفی است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS 21 انجام گردیده و در نهایت، نتایج طبق جداول آماری استخراج گردیده‌اند. در این مسیر جهت استخراج روند تغییرات الگوی مسکن شهر، خانه‌های شهر اردبیل به سه دوره سنتی، سنتی - معاصر و معاصر، تقسیم شده است. نتایج بدست آمده حاکی از وجود اختلاف معنادار در میزان پاسخگویی الگوهای مسکن به نیازهای اساسی افراد و کاهش حس تعلق و کیفیت زندگی در طی دوره‌های زمانی بوده است.

واژه‌های کلیدی

الگوی مسکن، پیشینه تاریخی، روان‌شناسی محیطی، هرم مازلو، نیازهای بنیادین انسان، خانه‌های شهر اردبیل.

مقدمه

میزان تأمین نیازهای انسان در یک محیط، به میزان توجه به روان انسان، ارزش‌ها، سبک زندگی و ادراکات آن در جامعه بستگی دارد و همچنین بالعکس، یعنی الگوی رویدادهایی را که بر زندگی در بناها غالب است، نمی‌توان از فضاهایی که در آن رخ می‌دهند، جدا کرد (الکساندر، ۱۳۸۶، ۲۷). در حالت کلی، محیط و رفتار آن قدر درهم تنیده شده‌اند که به سختی می‌توان آنها را از هم تفکیک کرد. رفتار را نمی‌توان مستقل از رابطه درونی آن با محیط درک کرد، رفتار را باید در بستری محیطی تعریف کرد (آلتمن، ۱۳۸۲، ۳۸). به نظر می‌رسد مسکن‌های امروزی توانایی پاسخ به نیازهای اساسی انسان را نداشته باشد. این پژوهش، در راستای بررسی میزان تحت پوشش قرار دادن نیازهای بنیادین انسان در بحث روانشناسی محیطی توسط هر یک از الگوهای مسکن در شهر اردبیل می‌باشد و برای دستیابی به این مهم سؤالات زیر مطرح می‌شود:

- آیا میزان توجه به تأمین نیازهای انسان در خانه‌های اردبیل طی گذر زمان تغییر کرده است؟
- توجه به نیازهای کاربران در کدام یک از الگوهای مسکن شهر اردبیل بیشتر مورد توجه قرار گرفته است؟

در راستای تحولات انجام‌گرفته در خصوص تغییر الگوی مسکن در گذر زمان از سنتی تا امروزی، میزان توجه به نیازهای کاربران در خانه و پوشش قرار دادن نیازهای بنیادین انسان در مسکن نیز دست خوش تغییر شده است.

مکان فضایی دارای معنا است، به همین دلیل مکان را قسمتی از فضا که به وسیله روابط اجتماعی مشخص می‌شود، تعریف کرده‌اند (مدیری، ۱۳۸۷) و تصور کلی فضای خانه از الگوی ذهنی مردم در ارتباط با خانه، ریشه در فرهنگ، آداب و سنن آنها دارد (میری و شاکریزاده، ۱۳۹۰، ۹۳). در این بین، معماری به‌عنوان سازنده فضا، ارتقا دهنده کیفیت زندگی بر مبنای ادراکات حسی است (پالاسما، ۱۳۸۸، ۴۹). ادراکات حسی و محیطی، فرآیندی هدفمند است و به فرهنگ، نگرش و ارزش حاکم بر تفکر ادراک‌کننده بستگی دارد (مطلبی، ۱۳۸۰). بنابراین، رابطه‌ای بین ارزش‌های یک جامعه به‌عنوان فرهنگ و شکل‌گیری نیازهای انسان در قالب فضا می‌باشد و رابطه انسان - محیط، رابطه‌ای دوسویه است. هر دو به‌نوعی برهم تأثیرگذارند و از هم متأثر می‌شوند (امامقلی و همکاران، ۱۳۹۱). فصل مشترک انسان و محیط را می‌توان در روان‌شناسی محیطی یافت به طوری که

پیشینه تحقیق

ارتباط دادن تغییرات مسکن با روابط اجتماعی انسان‌ها بوده‌اند. رویکردهایی به مانند: فرهنگ سکونت یا سبک زندگی. معماریان را می‌توان طلایه‌دار مقایسه تطبیقی خانه‌ها در رابطه با فرهنگ و سکونت دانست. وی به مقایسه بخشی از خانه‌های کرمان در محله‌ی زرتشتیان، یهودیان و مسلمانان بر اساس تأثیر متقابل فرهنگ و معماری می‌پردازد. وی این چنین نتیجه می‌گیرد که فرهنگ اسلامی در لایه اول، وحدت بخش خانه‌های کرمان بوده و لایه‌ی دوم را، رسوم و عقاید مذهبی بومیان می‌داند. محمدرضا حائری در کتاب «خانه، فرهنگ، طبیعت»، تعدادی از خانه‌های سنتی شهرهای همدان، رشت، کاشان، شیراز و بوشهر را بررسی کرده و آنها را با خانه‌های معاصر مقایسه کرده است. وی، به بررسی تفاوت خانه‌های تاریخی و معاصر با رویکرد تغییرات شیوه زندگی پرداخته است. مطالعات دیگر نیز پیرامون دو رویکرد یادشده انجام گرفته است تا جایی که در برخی موارد، به ترکیب دو نگرش یادشده جهت شناخت دقیق‌تر تحولات مسکن و علل آن پرداخته‌اند.

مبانی چارچوب نظری پژوهش

ارتباط انسان با محیط

پیش از دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، پژوهش‌هایی به جهت بررسی تأثیر متقابل انسان و محیط تحت عنوان «علوم اکوفتاری» یا

طی سال‌های اخیر، آثاری با محوریت دستیابی به الگوهای مسکن در ایران نگاشته شده است که البته بخاطر وسع بودن گستره مسکن، بالاچار به بررسی این مهم در محدوده جغرافیایی خاصی پرداخته‌اند. تقریباً همه‌ی این پژوهش‌های محدود، در یک موضوع، فصل اشتراک دارند و آن، بررسی سیر تحول مسکن با توجه به روابط معماری و روابط اجتماعی بستر مورد مطالعه می‌باشد. محققان این پژوهش‌ها معتقدند که تعدادی از کشورها از جمله ایران در شکل دهی مکاتب هنری و به‌طور کلی، در روند تغییرات فکری جهان نقش چندانی نداشته‌اند و به جای تعریف جایگاه خود و تلفیق شیوه‌های جدید زندگی با وضعیت فعلی‌شان در این تحولات، یک شبه داشته‌های خود را به خاطر شیفتگی آنی به اتفاقات اخیر مانند مدرنیته از دست داده‌اند و تنها به تقلیدهایی در جهت هم‌ساز شدن با پیشرفت‌های دنیای غرب بسنده کرده‌اند. همچنین اذعان می‌دارند که نتایج این امر بر معماری نیز سایه افکنده و بیش از همه در باب مسکن اثر گذاشته است. بنابراین، راه‌حل را در دستیابی به الگوهای مسکن بومی می‌دانند. برای این کار ابریه‌های شناسایی شده در محیط بومی مورد مطالعه را بر اساس دوره‌های تاریخی به چند بازه زمانی تقسیم می‌کنند. این تقسیم‌بندی، موجب سهولت در امر الگویابی می‌گردد.

در این بین محققان با مطرح کردن رویکردهایی در جهت

گروهی معین و تعلق به یک نظم معنوی (لنگ، ۱۳۹۳، ۴۱). راتر، شش طبقه از نیازها را به شرح ذیل عرضه می‌کند: شهرت، حمایت، تسلط، استقلال، عشق و محبت، راحتی جسمی. تصور راتر از نیاز، به هر موقعیت یا برانگیختگی فیزیولوژیکی یا روان‌شناختی اطلاق نمی‌شود، یعنی شیوه‌ای که نظریه پردازان دیگر بر اساس آنها، نیازها را تعریف می‌کنند (شولتز، ۱۳۸۴، ۱۳۴). در این پژوهش، در جهت تدوین مدل تحلیلی تحقیق، از نظریه سلسله مراتب نیازهای انسانی آبراهام مازلو استفاده گردیده است. علت این انتخاب، توجه همه جانبه مازلو به نیازهای انسان در خصوص فضا و مکان و همچنین ارتباط بسیار زیاد آن با شروط اجتماعی، جامعه و محیط زندگی انسان بوده و همچنین دلیل دیگر، استقبال و استفاده زیاد معماران از این الگو در طرح‌ها می‌باشد. جدول ۱، نمایش دهنده نیازهای بنیادین تعریف شده توسط آبراهام مازلو بوده که معرف طبقه‌ها و اولویت‌های نیازهای انسان می‌باشد.

همان‌طور که از دقت در جدول نیازهای مازلو برمی‌آید، طیف خواسته‌های انسان در هر مرحله، متفاوت از مراحل دیگر است به طوری که نیازهای اولیه و ابتدایی انسان در مراحل ابتدایی مرتفع می‌شود.

سیر تحولات مسکن در شهر اردبیل

ریشه‌های تاریخی توجه به معماری بومی را می‌توان در قرن ۱۸ میلادی یافت. در این زمان، با استعمار کشورهای آفریقا و اقیانوسیه بوسیله اروپاییان، تغییراتی در هنر و ادبیات دنیای غرب به وقوع پیوست و در پی بروز مشکلات و کمبودهای حاصل از تغییراتی که مدرنیته و جوامع صنعتی ایجاد کرده بود، آشکار شد. این علاقه، به بررسی معماری بومی که یا در واکنش به گمنامی معماری خودی و یا در صدد یافتن اصولی برای حل مشکلات شکل گرفته، ایجاد شده بود؛ طیف گسترده‌ای از زمینه‌های مختلف از جمله ابعاد انسانی، نیازها و فرهنگ کاربران، مواد و مصالح ساختمانی، اقلیم، انرژی و... را شامل می‌شد. پرچم دار مطالعات مسکن با رویکرد فرهنگی، راپاپورت است. وی در پی تحلیل فرهنگی رابطه‌ی میان خانه (مسکن / سکونتگاه) و هویت بوده و معتقد است هر بنایی، تحت تاثیر فرهنگ ساکنانش شکل می‌گیرد و مطابق با آن اداره می‌شود و با شناخت هویت و خصوصیت یک فرهنگ و وقوف به ارزش‌های آن، می‌توان به بررسی نحوه سکونت در آن فرهنگ پرداخت،

«روان‌شناسی اکولوژیک» و «روان‌شناسی بوم‌شناختی» منتشر می‌شدند که در آنها مفهوم ارتباط انسان با محیط، مورد توجه قرار می‌گرفت (مرتضوی، ۱۳۸۰، ۵۴). اما در سال ۱۹۷۰ میلادی، علم روان‌شناسی محیط در کتابی با عنوان «روان‌شناسی محیط: انسان و محیط اجتماعی-کالبدی» ظهور پیدا کرد (لنگ، ۱۳۹۳، ۴۱). محققان این حوزه معتقدند که ادراک انسان «در مرکز هرگونه رفتار محیطی قرار دارد زیرا منبع تمام اطلاعات محیطی است» (مک اندرو، ۱۳۸۷، ۹۷). به‌طور کلی می‌توان گفت دانش روان‌شناسی محیط، حوزه مشترک بین علوم رفتاری و معماری بوده و هدف از آن، مطالعه انسان در زندگی واقعی است. زندگی مطلوب از رفتارها و رفتارها در جهت ارضای نیازهای انسانی شکل می‌گیرند. بنابراین تبیین نظریه طراحی معماری محیط، بر اساس مفاهیم نیازهای انسانی، یک ضرورت است.

نیازهای اساسی انسان

از دیدگاه آبراهام مازلو، نیازهای اساسی انسان شامل پنج سطح هستند که شامل نیازهای فیزیولوژیکی، نیازهای ایمنی یا امنیت، نیازهای اجتماعی، تعلق و دوستی، نیازهای قدر و منزلت و نیاز به خودیابی و خودشکوفایی. بر اساس این نظریه، برای افزایش رضایت‌مندی افراد باید ابتدا سعی کرد نیازهای اولیه افراد مانند خوراک، پوشاک، مسکن و... را تأمین نمود. در مراحل بعدی، مسئله امنیت شغلی، نیازهای ارتباطی و نیاز به احترام مطرح می‌باشد (رضائیان، ۱۳۷۰، ۱۱۲). نظریه مازلو از این حیث که نیازها را پدیداری انگیزشی - روانی تلقی می‌کند، نظریه‌ای روان‌شناختی است، اما از این حیث که رفع این نیازها را مبتنی بر روابط و پیش شرط‌های اجتماعی می‌داند، جامعه‌شناختی است (موحد و همکاران، ۱۳۹۱). همچنین می‌توان گفت که با توجه به این که برآورده شدن بخش عمده‌ای از این نیازها، با فضای جغرافیایی که شخص یا جامعه در آن زندگی می‌کند ارتباط بسیار نزدیکی دارد، دارای بعدی فضایی نیز می‌باشد (حسینی و باقریان، ۱۳۹۳).

مدل لیتون را می‌توان وسیله مناسبی برای درک ماهیت محیط ساخته شده و در عین حال، احترام به انسان دانست، گرچه به نظر جان لنگ «این نیازها هم پیچیده‌اند و هم نظم و دسته‌بندی روشنی ندارند». نیازهای لیتون عبارت‌اند از: امنیت فیزیکی، ارضای جنسی، ابراز دشمنی، ابراز عشق، حفظ علائق شخصی، شناسایی شدن، بیان خودانگیختگی، تشخیص جایگاه خود و دیگران در جامعه، حفظ و مراقبت از عضویت در

جدول ۱- نیازهای انسان بر اساس مدل مازلو.

ردیف	نیازها	جزئیات
۱	زیستی	تنفس، آب، غذا، خواب، تعادل زیستی و روانی، دفع
۲	امنیتی	امنیت جسم، شغل، امکانات، اخلاق، خانواده، سلامتی
۳	اجتماعی	دوستی، خانواده، صمیمیت
۴	احترامی	رضایت درونی، اعتماد به نفس، موفقیت، احترام به دیگران، مورد احترام دیگران بودن
۵	خودشکوفایی	اخلاقیات، خلاقیت، فی البداهه عمل کردن، قابلیت حل مشکلات، پذیرفتن واقعیت

مأخذ: (Maslow, 1954)

می باشد (طاهباز و جلیلیان، ۱۳۸۱، ۷۴). زبان مردم شهر اردبیل ترکی آذربایجانی است. دین اکثر مردم این شهر، اسلام (شیعه دوازده امامی) است.

معماری شهر اردبیل با همه زیبایی های وام گرفته از معماری سنتی خود، امروزه در مرحله بحرانی و بیمناک به خاطر از بین رفتن بقایای سنت و گذشته کم رنگ موجود به سر می برد. جهت دستیابی به الگوهای مسکن اردبیل و شیوه زندگی در آنها در دوره های مختلف و سیر تحول این تغییرات از گذشته تا امروز، می توان خانه های شهر اردبیل را به ۳ دوره ی ذیل تقسیم بندی کرد:

۱- خانه های سنتی: خانه هایی هستند که به صورت کاملاً سنتی در شکل واقعی خودشان باقی مانده اند. قدمت این خانه ها به قاجار بازمی گردد.

۲- خانه های سنتی - معاصر: این خانه ها، مربوط به دوران پهلوی هستند و تصویری کلی خانه های سنتی و معاصر را دارند، اما با گذشت زمان و متناسب با آن، به سوی معاصر شدن تغییراتی کرده اند.

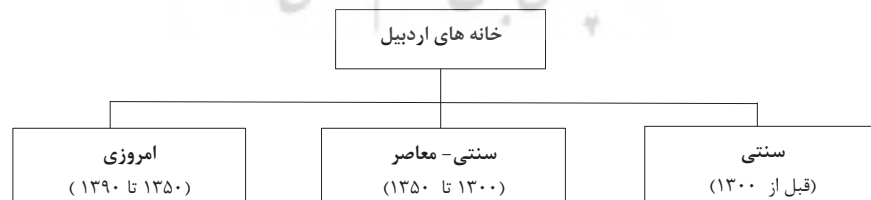
۳- خانه های امروزی: خانه های کاملاً امروزی با الگوی خانه سازی و شیوه ی زندگی غربی که مربوط به دهه های پس از انقلاب اسلامی می باشند (عظمتی و همکاران، ۱۳۹۵).

نمودار ۱، نشان دهنده چارچوب کلی تقسیم انجام گرفته در خصوص طبقه بندی دوره های زمانی خانه های شهر اردبیل است. ابتدا با شناخت خانه های هر دوره که توسط برداشت میدانی انجام شد، فضاها و عملکردهای هر خانه معرفی گردید، سپس شیوه ی سکونت در این خانه ها از طریق مصاحبه با مردم بررسی شد. با توجه به اسناد به دست آمده و بررسی فراوانی تکرار آنها، می توان الگوهایی را برای دوره های زمانی گفته شده نسبت به خانه های شهر اردبیل در نظر گرفت که در جدول ۲، درج گردیده است.

با بررسی جدول ۲، می توان دریافت که خانه های مورد بررسی قرار گرفته در هر سه دوره زمانی، از الگوی یک طرفه تبعیت می کنند، اما تغییرات اساسی در ارزش فضاها، سیرکولاسیون و تنوع فضاها انجام گرفته است. آن چنان که از جدول ۳ برمی آید، می توان به الگوی کلی پلان و تغییرات انجام گرفته در فرم کلی آن و فضاها ی متعلقه و جزئیاتی همچون سلسله مراتب ورودی، نورگیری و چینش فضاها

سکونتی که باید هر دو نیاز فیزیکی و فرهنگی را جابگو باشد. راپاپورت برای توضیح رابطه ی فرهنگ و محیط، مفهوم فرهنگ را تجزیه می کند. در قدم نخست، فرهنگ را نوعی جهان بینی قلمداد می کند. جهان بینی "نگرش اعضای یک فرهنگ خاص در یک جامعه به تمام موضوعات مرتبط به هستی شناسی است". بنابراین تعریفی که پاول الیور از معماری بومی دارد، معماری بومی، آن گونه از معماری است که از درون جوامع رشد می کند و طی زمان خود را با شرایط اجتماعی، اقلیمی و فناوری سازگار می سازد و تکامل می یابد و با ارزش ها، اقتصاد و شیوه های زندگی و فرهنگ هایی که مولد آنها هستند، سازگار می باشد و یا به طور خلاصه، معماری بومی، معماری مردم و معماری توسط مردم و نه برای مردم است. در این تعریف، اهمیت مشارکت مردم در تدوین معماری بومی، به وضوح قابل ملاحظه است تا جایی که راپاپورت نیز اذعان می دارد: "این نوع مسکن (بومی)، تجلی آنی ارزش های در حال تغییر و نیز تصویر خانه و جهان بینی و شیوه زندگی است و حاصل مجموعه ای از موقعیت هاست" (راپاپورت، ۱۳۸۸، ۲۶).

اردبیل، منطقه ای است پهناور و کوهستانی که با همه ویژگی های آداب، رسوم، فرهنگ و سنن کهن خصوصیات طبیعی و آثار باستانی و تاریخی و همچنین دره های سرسبز، چشمه های آب فراوان و کیفیت های مختلف دیگر، تاکنون چنانکه باید شناخته نشده است. اقلیمی که امروزه به اردبیل مشهور است، سرزمینی است پهناور. این سرزمین، از زمان های بسیار قدیم مهد تمدن و مرکز آبادی بوده است. و به علت وجود قله سبلان به ارتفاع ۴۸۱۱ متر و به فاصله ۴۰ کیلومتر در غرب شهر و رودخانه بالخلی در شرق شهر، محل سکونت اقوامی بوده است که در اطراف و ساحل رود گرد آمده و تمدن عالی ایجاد کرده اند، که این، نخستین شرط پیدایش تمدن های قدیمی است. شهر اردبیل مرکز استان اردبیل، در شمال غربی ایران واقع گردیده است. جمعیت اردبیل بر اساس نتایج نهایی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ خورشیدی، بالغ بر ۴۸۵۱۵۳ نفر بوده است که از این جهت، هفدهمین شهر پر جمعیت ایران به شمار می رود. با توجه به هم جوار با کوه سبلان، دارای اقلیم کوهستانی و زمستان های بسیار سرد با یخبندان طولانی و تابستان های مطبوع



نمودار ۱- تقسیم بندی زمانی خانه های شهر اردبیل.

جدول ۲- الگوی خانه های اردبیل به تفکیک دوره های زمان.

امروزی	سنتی - معاصر	سنتی
		

سپس پرسش نامه محققین ساخت تنظیم گردید. مدل مفهومی استفاده شده در پژوهش طبق نمودار ۲، آورده شده است. در پرسش نامه، سنجش میزان رعایت شدن هر یک از نیازهای بنیادین هرم مازلو، به سه قسمت تقسیم شده است. این تفکیک، به خاطر بررسی نیازها در هر یک از الگوهای مسکن شهرداری منطبق با دوره های زمانی اتخاذ شده می باشد. پرسش نامه ها طبق روش دلفی میان ۱۲ نفر از متخصصان رشته معماری که بومی شهرداری منطبق می باشند، توزیع گردید. پایایی پرسشنامه توسط تأیید اساتید انجام گرفت و روایی آن با استفاده از روش تحلیل آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۰۶. به دست آمد که قابل قبول می باشد. پس از وزن دهی داده ها، تجزیه و تحلیل آماری توسط نرم افزار SPSS 21 صورت گرفت و نتایج استخراج گردید. در نهایت، به مقایسه تطبیقی نتایج حاصله میان سه الگوی مسکن شهرداری منطبق شده است.

یافته ها

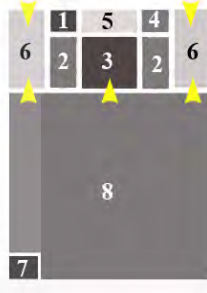
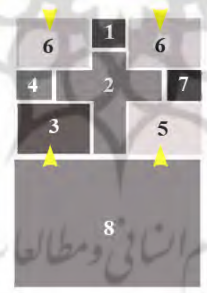

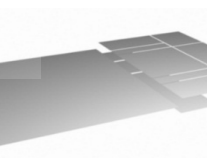
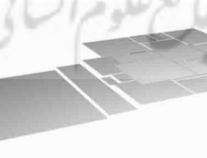
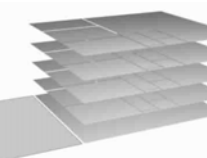
برای سنجش اینکه کدام یک از الگوهای مسکن توانسته اند بیشتر و بهتر به نیازهای بنیادین انسان پاسخ دهند، سلسله مراتب نیازهای هرم مازلو در قالب جدول ۵ ارائه و در مقابل، تعابیر آن نیازها در بحث معماری منعکس شده است. از طریق نتایج حاصله از تعریف

پی برد. الگوی طبقات خانه ها از دوره سنتی تا امروزی، با افزایش ارتفاع بنا مواجه بوده که این موضوع، منطبق بر سیر نزولی میزان فضاها از لحاظ کمی در گذر زمان می باشد (عظمتی و همکاران، ۱۳۹۵). با استفاده از میانگین ویژگی های کالبدی خانه های مورد مطالعه، می توان جدولی جهت مقایسه تطبیقی این موضوع تدوین نمود. همان طور که از جدول ۴ برمی آید، تعداد واحدها، تعداد طبقات، درصد اشغال و زیربنای خانه های اردبیل در گذر زمان از دوره سنتی به امروزی با افزایش مواجه بوده و در مقابل مساحت زمین، سطح اشغال و مساحت حیاط سیر نزولی داشته است. به راحتی از بررسی اجمالی جدول ۴ می توان استنتاج نمود که فضاهای مختلف خانه های شهرداری منطبق در طول گذشت زمان از نظر معیارهای کمی با افول چشم گیری مواجه شده اند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی بوده و روش تحقیق پیمایشی-دلفی به کار برده شده است. برای سنجش میزان انطباق نیازمندی های ذکر شده توسط نظریه مازلو با الگوهای مسکن شهرداری منطبق، ابتدا به بررسی تعابیر مفاهیم مطروحه در هرم مازلو و تبدیل آنها به عوامل مؤثر در باب مسکن پرداخته شده و

جدول ۲- سیر تحول شکل و الگوی پلان خانه ها.

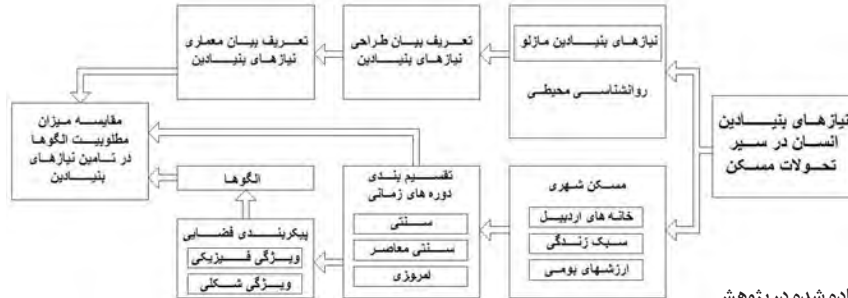
الگوی طبقات	سنتی			سنتی - معاصر			امروزی		
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	
الگوی پلان ها									
۱	ورودی	۳	تنبی / هال	۵	مطبخ / آشپزخانه	۷	سرویس بهداشتی		
۲	دهلیز	۴	پلکان	۶	اتاق	۸	حیاط		

جدول ۴- مقایسه میانگین ویژگی های کالبدی فضاها.

دوره	تعداد واحد	تعداد طبقات	مساحت زمین	سطح اشغال	حیاط	زیربنا	درصد اشغال	زیربنا به کل زیربنا	زیربنا به حیاط
سنتی	۱,۵	۱,۲ و زیرزمین	۵۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۳۶۰	۴۰	۰,۷	۱,۲
سنتی - معاصر	۱,۸	۱,۶ و زیرزمین	۳۰۰	۱۳۸	۱۶۲	۲۷۰	۴۶	۰,۸	۳,۹
امروزی	۲,۵	۳,۵ و پیلوت	۲۰۸	۱۲۵	۸۳	۴۵۰	۶۰,۶	۲,۴	۵

یکسان توزیع گردید. هدف از این امر، سنجش میزان رعایت شدن نیازهای بنیادین انسان در هریک از دوره‌های زمانی: سنتی، سنتی-معاصر و امروزی بود. جهت شناخت هر چه بهتر و یکسانی تصور اساتید معماری پاسخ‌دهنده، قبل از توزیع پرسشنامه، الگوهای مسکن شهر اردبیل که بیش تر به آنها اشاره گردید در

نیازها به زبان طراحی، به تدوین گویه‌های پرسشنامه پرداخته و پرسشنامه‌ها، میان متخصصین و اساتید معماری که اردبیلی بودند، توزیع گردید. در جدول ۵، به تبیین موضوع ترجمه‌ی سلسله‌مراتب نیازهای انسانی مازلو به زبان طراحی مسکن پرداخته شده است. برای هریک از متخصصین معماری، سه پرسشنامه با سؤالات



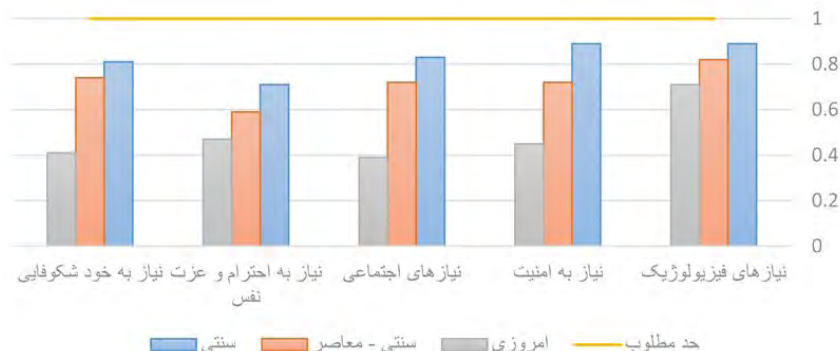
نمودار ۲- مدل مفهومی استفاده شده در پژوهش.

جدول ۵- ترجمان نیازهای بنیادین در محث مسکن.

ترجمان نیازهای بنیادین در محث مسکن	سلسله مراتب
نیازهای فیزیولوژیک	نیاز اول
<ul style="list-style-type: none"> * خانه، توانایی تأمین نیاز به عنوان سرپناه بودن را دارد * خانه، توانایی پاسخی به نیاز تنفس مناسب اعضای خانواده و تهویه مطلوب را دارد * شرایط اقلیمی بومی اردبیل در طراحی خانه لحاظ شده است * در خانه، نیاز به نور و روشنایی مناسب، به طور مطلوب تأمین می‌گردد * مساحت مورد نیاز برای فضاهای مربوط به خانه، رعایت شده است * خوابیدن در خانه، لذت بخش است 	<ol style="list-style-type: none"> ۱. نیاز اول ۲. نیاز دوم ۳. نیاز سوم ۴. نیاز چهارم ۵. نیاز پنجم
نیاز به امنیت	نیاز دوم
<ul style="list-style-type: none"> * مرز واحدهای مسکونی به راحتی قابل تشخیص است * در طراحی خانه اصل "خودکنترلی" لحاظ شده است * واحد مسکونی به عنوان محیطی خوانا شکل گرفته است * در طراحی خانه، به موضوع "سلامت محیط" توجه شده است * خانه، هم راستا با رویکرد کاهش آلودگی زیست محیطی می‌باشد * حریم اعضای خانواده نسبت به هم دیگر حفظ گردیده است * حریم خانواده در مقابل خانه‌های هم جوار (همسایگان) حفظ شده است * خانه، القاگر حس امنیت برای اعضای خانواده است 	<ol style="list-style-type: none"> ۱. نیاز اول ۲. نیاز دوم ۳. نیاز سوم ۴. نیاز چهارم ۵. نیاز پنجم
نیازهای اجتماعی	نیاز سوم
<ul style="list-style-type: none"> * خانه، بر اساس ارزش‌های پذیرفته شده در اجتماع طراحی گردیده است * خانه، انعکاس دهنده هویت ساکنین آن است (هویت مند طراحی شده است) * خانه، افزایش دهنده تعاملات بین اعضای خانواده است * خانه، موجب افزایش حس هم نوعی بین اعضای خانواده است * واحد مسکونی به عنوان فضایی سرزنده طراحی شده است * خانواده، احساس تعلق به خانه دارند * واحد مسکونی، القاگر حس بازگشت به خانه برای اعضای خانواده می‌باشد * حریم بین محله و خانه به خوبی قابل تمییز است * خانه، افزایش دهنده حس مشارکت بین اعضا خانواده است * علاقه مندی برای زندگی در خانه، بین اعضای خانواده وجود دارد * حریم‌های خصوصی و عمومی به خوبی تفکیک شده است 	<ol style="list-style-type: none"> ۱. نیاز اول ۲. نیاز دوم ۳. نیاز سوم ۴. نیاز چهارم ۵. نیاز پنجم
نیاز به احترام و عزت نفس	نیاز چهارم
<ul style="list-style-type: none"> * اعضای خانواده از زندگی در خانه، احساس منزلت می‌کنند * خانواده از طریق زندگی در واحد مسکونی خویش احساس اعتماد به نفس می‌کند * خانه، پرورش دهنده قدرت نیل به مقاصد بین اعضای خانواده می‌باشد * ارزش اشخاص در میان اعضای خانواده بر حسب فضاها مشخص می‌باشد * اعضای خانواده به واسطه زندگی در خانه، احساس ارزشمند بودن می‌کنند * خانواده در طول زندگی در خانه، احساس سلامتی می‌کنند 	<ol style="list-style-type: none"> ۱. نیاز اول ۲. نیاز دوم ۳. نیاز سوم ۴. نیاز چهارم ۵. نیاز پنجم
نیاز به خود شکوفایی	نیاز پنجم

جدول ۶- نتایج بدست آمده از آزمون.

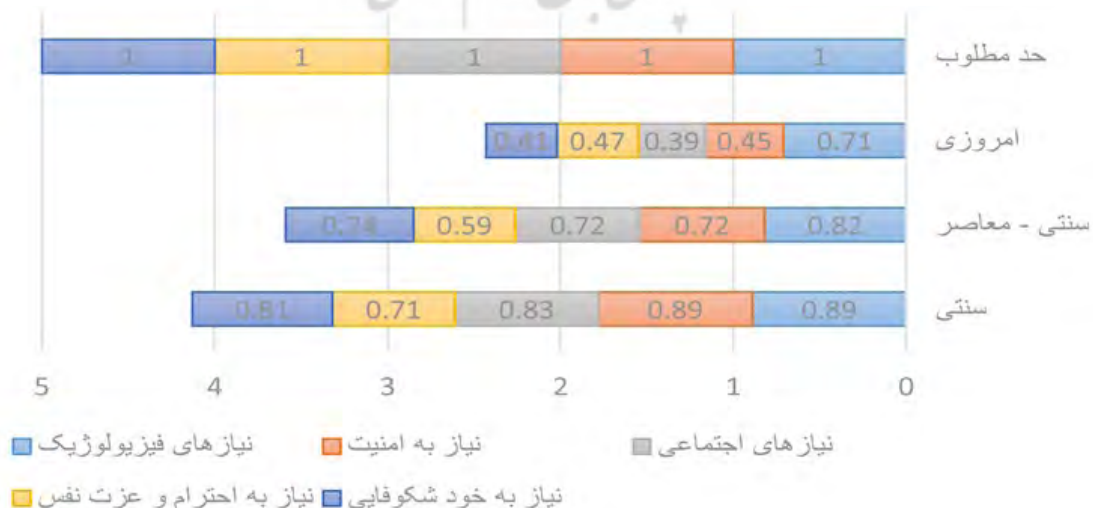
روایی آزمون آلفای کرونباخ	دوره های زمانی	نتایج سطح معناداری با اطمینان ۹۵٪
۰/۸۰۶ برای ۳ دوره مورد بررسی	امروزی	۰/۰۴۴
	سنتی - معاصر	۰/۰۱۶
	سنتی	۰/۰۱۶



نمودار ۳- میزان مطلوبیت هر یک از نیازهای بنیادین.

امنیت، اجتماعی و خودشکوفایی، از روند کاهشی نامتوازی برخوردار بوده و شکاف قابل توجهی بین الگوی خانه‌های دوره سنتی - معاصر و الگوی خانه‌های امروزی مشاهده می‌گردد. با تجمیع میزان مطلوبیت هر یک از پنج نیاز بنیادین بررسی شده در خانه‌های شهر اردبیل، می‌توان به میزان مطلوبیت هر یک از الگوهای مسکن شهر اردبیل پی برد. در نمودار ۴، فاصله هر یک از الگوهای سنتی، سنتی-معاصر و امروزی از حد مطلوب در خصوص برآورده کردن نیازهای بنیادین انسان طبق تعریف پنج نیاز اساسی هرم مازلو آورده شده است. از تحلیل نمودار بالا برمی‌آید که الگوی خانه‌های سنتی بیشتر توانسته است به نیازهای بنیادین یک اردبیلی پاسخ دهد. مابین میزان مطلوبیت الگوی خانه در دوره سنتی - معاصر و امروزی شکاف قابل توجهی مشاهده می‌گردد. یعنی افت الگوی مسکن دوره امروزی در خصوص برآوردن نیازها بیشتر از افت الگوی مسکن دوره سنتی - معاصر می‌باشد.

اختیار متخصصان معماری قرار گرفت. پاسخ‌دهنده‌ها، میزان مطلوبیت هر یک از نیازها را در پرسش‌نامه‌ای جداگانه متناسب با الگوی مسکن سؤال شده تکمیل نمودند. با استفاده از طیف لیکرت و وزن دهی به پاسخ‌ها در پرسشنامه‌ها، میزان مطلوبیت هر یک از عوامل و در مجموع میزان رعایت شدن هر یک از نیازها سنجیده گردید. طبق نتایج بدست آمده از نرم افزار SPSS، روایی آزمون ۰/۸۰۶ محاسبه شده است که نشانگر پایداری مطلوب پرسشنامه می‌باشد. همچنین خروجی Sig در آزمون t، گواه از معناداری اختلاف در هر سه دوره زمانی یادشده می‌باشد. با استفاده از میانگین پاسخ‌های به دست آمده، می‌توان نمودار ۳ را ترسیم نمود. میزان رعایت شدن هر یک از نیازهای مورد مطالعه در طراحی خانه‌های اردبیل طبق سه دوره گفته شده در نمودار فوق آورده شده است. از تحلیل نمودار برمی‌آید که کلیه نیازهای بنیادین در گذر از دنیای سنتی به امروزی، مورد کم توجهی قرار گرفته‌اند. این افول در حالی است که نیازهای



نمودار ۴- میزان مطلوبیت هر یک از الگوهای مسکن.

نتیجه

معاصر به دوره امروزی، در خصوص تحت پوشش قراردادان نیازها مشاهده می‌گردد. از جمع‌بندی نتایج به‌دست آمده می‌توان ادعا نمود که الگوی مسکن سنتی بیشتر از سایر دوره‌ها توانسته است نیازهای بنیادین ساکنان اردبیل را تأمین کند. از دلایل عدم توجه الگوی مسکن امروزی به نیازهای بنیادین، می‌توان موارد زیر را برشمرد: در الگوی مسکن سنتی فضاهایی با کارکردهای مثبت وجود داشته است که به مرور زمان این فضاها به دست فراموشی سپرده شده‌اند. فضاهایی مانند دهلیز، صاندیخانا، طنبی، قوناق اوتاقی، حیاط از مواردی است که کمبود آنها در زندگی مردم اردبیل احساس می‌شود. نادیده گرفتن برخی فضاها در دوره امروزی ناشی از تغییر سبک زندگی در منطقه بوده که رفته‌رفته فضاها به مقیاس ماشینی تبدیل شده‌اند. در جامعه امروزی شاهد تغییر ماهیت وظایف فضاها هستیم. تغییرات انجام‌گرفته در مفاصل ارتباطی فضاها، شکل و الگوی پلان، تغییرات در موقعیت و نحوه ورود به فضا، روشنایی و عملکرد فضا و در نهایت تطبیق کالبدی خانه با شیوه زندگی مردم اردبیل، حاکی از این است که کیفیت فضاها در خصوص تأمین نیازهای بنیادین یک شخص اردبیلی در مجموع، سیر نزولی داشته، به طوری که باعث تغییر در شیوه زندگی مردم شده است.

اصلی‌ترین نتیجه در این پژوهش، متوجه بررسی روند تحول الگوهای مسکن از دید میزان توجه به نیازهای بنیادین انسان در شهر اردبیل می‌باشد که می‌تواند راه‌گشای دستیابی به الگوی مسکن معاصر و طراحی هویت‌مند در این شهر گردد و از این طریق، موجب افزایش حس تعلق اردبیلی‌ها به خانه‌های خود گردد. مقایسه تطبیقی در فاکتورهای بررسی شده، گویای این هستند که فضاهای خانه اردبیلی در گذر زمان، دستخوش تغییراتی هم‌درزمینه‌ی کالبدی و هم‌تأمین نیازهای اساسی یک خانواده اردبیلی بوده است. تحت پوشش قراردادان نیازهای بنیادین انسان در علم روان‌شناسی محیطی، از ویژگی‌های مهم مسکن بشمار می‌آید. مسکن باید بتواند نیازهای فرد را متناسب با بوم منطقه پاسخ داده و مشکلات ناشی از آن را مرتفع نماید. نیازهای مطروحه توسط آبراهام مازلو می‌تواند معیاری برای سنجش میزان پاسخ‌دهی فضاها به نیازهای اساسی انسان باشد. مطالعات انجام‌شده حاکی از آن است که میزان توجه الگوهای مسکن شهر اردبیل به تأمین نیازهای بنیادین یک شخص اردبیلی با گذشت زمان افول کرده و در الگوی مسکن امروزی به پایین‌ترین حد خود در بین دوره‌های مطالعه شده، رسیده است. شکاف قابل توجه و معنی‌داری بین گذر از دوره سنتی-

فهرست منابع

عظمتی، حمیدرضا؛ رستمی، دود و پورباقر، سمیه (۱۳۹۵)، مقایسه تطبیقی الگوی فضایی مسکن شهری مبتنی بر پیشینه تاریخی و اجتماعی شهر، مطالعه موردی: شهر اردبیل، نشریه تخصصی انجمن معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت، شماره ۱۳، صص ۲۵-۳۱.

لنگ، جان (۱۳۹۳)، آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، مترجم: علیرضا عینی فر، دانشگاه تهران.

مدیری، آتوسا (۱۳۸۷)، مکان، نشریه هویت شهر، دانشکده هنر و معماری علوم و تحقیقات تهران، شماره ۲، صص ۵۰-۷۰.

مرتضوی، شهرناز (۱۳۸۰)، روانشناسی محیط، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

مطلبی، قاسم (۱۳۸۰)، روانشناسی محیطی دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری، نشریه علمی پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۱۰، صص ۵۲-۶۷.

مک اندرو، فرانسیس تی (۱۳۸۷)، روانشناسی محیطی، ترجمه غلامرضا محمودی، انتشارات زرباف اصل، تهران.

موحد، م. و حسین زاده کاسمانی، م (۱۳۹۱)، رابطه‌ی اختلال هویت جنسیتی با کیفیت زندگی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۴، صص ۱۱۱-۱۴۲.

میری، سید حسن و شاکریزاده ایبانه، عباس (۱۳۹۰)، از بردیه تا ساریه، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

Maslow, A. H (1954), *Motivation and Personality*, Harper & Row, New York.

آلتمن، ایروین (۱۳۸۲)، محیط و رفتار اجتماعی، خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام، ترجمه علی نمازیان، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۶)، معماری و راز جاودانگی، راه بی‌زمان ساختن، ویراست دوم، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

امامقلی، عقیل؛ آیوازیان، سیمون؛ زاده محمدی، علی و اسلامی، سیدغلامرضا (۱۳۹۱)، روانشناسی محیطی، عرصه مشترک معماری و علوم رفتاری، علوم رفتاری، دوره ۴، شماره ۱۴، صص ۲۳-۴۴.

پالاسما، یوهانی (۱۳۸۸)، چشمان پوست، معماری و ادراکات حسی، ترجمه رامین قدسی، انتشارات گنج هنر و پرهام نقش، تهران.

حسینی، سیدهادی و باقریان، خدیجه (۱۳۹۳)، تحلیلی بر مؤلفه‌های سازنده کیفیت زندگی در شهر نوشهر، فصل‌نامه آمایش محیط، دوره ۷، شماره ۲۷، صص ۷۸-۵۵.

راپاپورت، آموس (۱۳۸۸)، انسان‌شناسی مسکن، افضلیان، خسرو، آستان قدس رضوی.

رضائیان، علی (۱۳۷۰)، اصول مدیریت، چاپ نخست، انتشارات سمت، تهران.

شولتز، کریستین نوربرگ (۱۳۸۴)، روح مکان، به سوی پدیدارشناسی معماری، ترجمه محمد رضا شیرازی، انتشارات رخ داد نو، تهران.

طاهباز، منصوره و جلیلیان، شهربانو (۱۳۸۱)، بررسی روش‌های صرفه جوی انرژی در مسکن روستایی استان اردبیل، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.